

شیوع بیماری های مسری در بندر بوشهر در دوره مشروطه

زهرا مروتی

دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
morovati53@gmail.com

دکتر علی اکبر خدروی زاده (نویسنده مسؤل)

استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
khedrizeh@yahoo.com

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا ۲۰۰۸-۰۲۷۱) - سال ۱۶ شماره ۶۰ - صفحه ۲۸۷-۲۶۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۹

چکیده

مردم بندر بوشهر در روزگار پرتلاطم مشروطه، از گستره‌ی وسیعی از بیماری‌های واگیر در رنج بودند. شیوع این بیماری‌ها، یکی از واقعیت‌های اجتماعی عصر قاجار محسوب می‌شد. بطوری‌که در مقابل زیرساخت‌های سنتی موجود، درمان‌های موثر ناچیز، تأثیر چندانی در کاهش میزان مرگ و میر نداشت. این نوشتار بر مبنای مندرجات مطبوعات، اسناد آرشیوی و منابع تاریخی با بهرمندی از روش تحقیق تاریخی مبتنی بر توصیف و تحلیل، چگونگی شیوع این بیماری‌ها در بندر بوشهر را نشان می‌دهد. پژوهش حاضر بر آن است، تا ضمن بررسی انواع بیماری‌های مسری، عوامل موثر بر شیوع آن، در بوشهر را مورد واکاوی قرار دهد. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که، شیوع انواع بیماری‌های مسری در بندر بوشهر تحت تأثیر چه عواملی بوده است؟ به نظر می‌رسد، عوامل متعددی هم‌چون، عدم توجه مردم بنادر نسبت به بهداشت فردی و اجتماعی، عدم وجود آب آشامیدنی سالم، شیوه نادرست دفن مبتلایان و عملکرد نادرست دولتمردان در مواجهه با بیماری‌ها، از عوامل مهم شیوع بیماری‌های واگیر در این بندر بوده است.

واژگان کلیدی: بندر بوشهر - وبا - طاعون - بیماری‌های مسری

مقدمه

دردوره قاجاریه با اینکه تحولات مهمی در امر آشنایی با پزشکی نوین صورت گرفته بود، اما با این وجود، وضعیت بهداشت و درمان در ایران مناسب نبود. جامعه دوره قاجار جامعه آلوده به انواع بیماری‌های مسری بوده است و از همه بدتر در شرایط اپیدمی در نقاط مختلف کشور تأثیرات منفی بر روند رشد جامعه داشت. در این میان مردم نواحی جنوب کشور به‌ویژه بندر بوشهر همانند دیگر مناطق ایران با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می‌کردند و تا سال ۱۳۲۸ ق برای تأمین و تعمیم بهداشت و درمان بخصوص پیشگیری از بیماری‌های واگیردار و مبارزه با آنها هیچگونه قانون و مقرراتی وجود نداشت و بیماری‌های مهلکی نظیر وبا و طاعون و امثال آن هرازگاهی شیوع پیدا می‌کرد و عدهای زیادی را تلف می‌کرد. بسیاری از بیماری‌های عمومی در بندر به جهت استفاده از آبهای ناسالم و راکد بود که خود باعث بیماری و امراض مختلف به شمار می‌آمد. بسیاری از آب انبارها که از آب باران پر می‌شدند و برای مصرف مردم در طول سال مورد استفاده قرار می‌گرفتند، کثیف، آلوده و سبب بروز بیماری می‌شد. بروز این بیماری‌ها به شدت بر جمعیت و کاهش نیروی انسانی در آن زمان تأثیر مستقیم داشت. ضمن آنکه به دلیل توسعه‌ی ناهمگون روش‌های پیشگیری و درمان نیز در مرحله‌ی بسیار ابتدائی و همراه با خرافه‌گرایی بوده است.

با انقلاب مشروطه، لزوم اصلاحات و اقداماتی برای سروسامان دادن به وضعیت بهداشتی بندر بوشهر کاملاً احساس می‌شد. از همین رو وظایفی برعهده بلدیّه گذاشته شد، که یکی از آنها رسیدگی به وضعیت پاکیزگی شهرها و ساکنان آن بود. بلدیّه بوشهر، در ابتدا اقدامات مفیدی در زمینه بهداشت عمومی انجام داد و کارنامه‌ی قابل قبولی از خود بر جا گذاشت، اما به دلیل عدم تحول در ساختار اجتماعی کشور با موانع و مشکلات متعددی روبرو شد. با تمام تلاش‌های بلدیّه تغییر محسوسی در وضعیت بهداشتی بندر بوشهر کشور بوجود نیامد. یکی از موانع رشد و توسعه بهداشت و تحول پزشکی در این بندر، مقاومت‌هایی بود که از سوی عموم مردم صورت می‌گرفت. در واقع گفتمان سنتی حاکم بر جامعه در برابر هرگونه تحولی حداقل در آغاز با موضعگیریه‌ها و چالش‌های فراوانی مواجه بود و این برخوردها، روند توسعه بهداشت عمومی را با کندی مواجه می‌ساخت. بر این اساس در پژوهش حاضر تلاش شده‌است، تا چگونگی شیوع انواع بیماری‌ها و آثار مخرب اجتماعی و اقتصادی آن مورد ارزیابی قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

در زمینه‌ی بیماری‌های مسری در بندر بوشهر، تاکنون مقاله یا اثر مستقلی منتشر نشده‌است. اغلب مقالات موجود درباره بهداشت عمومی ایران در دوره قاجار بوده‌است؛ از همین رو با وجود خلاء اطلاعاتی که در مسیر مورد نظر این پژوهش وجود داشت، تلاش شده‌است تا بیماری‌های مسری بندر بوشهر و آثار مخرب آنها را از دیدگاهی جامع مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، از طرفی تکیه اصلی این مقاله بر روزنامه‌ها و اسناد به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی این دوره قرار دارد.

از جمله مقالاتی که در زمینه‌ی معرفی بیماری‌های مسری به چاپ رسیده است: مقاله سهیلا ترابی فارسانی و مرتضی ابراهیمی با عنوان "بلدیه و بهداشت عمومی در دوره پهلوی اول" بوده‌است. در این مقاله محققین به نقش بلدیه در سر و سامان دادن به وضعیت بهداشت عمومی مانند نظارت بر حمام‌ها، مغازه‌ها، اغذیه‌فروشی‌ها، داروخانه‌ها و... مورد بررسی قرار گرفته‌است. هدف این پژوهش، بررسی فعالیت‌های بلدیه در زمینه عملکرد اجتماعی و وضعیت بهداشت عمومی جامعه است.

در مقاله دیگر، با عنوان "بهداشت عمومی در ایران عصر قاجار از دید سیاحان" به قلم مهدی علیجانی به مواجه مردم با چالش‌های بهداشتی و نامناسب بودن اوضاع بهداشتی در دوره قاجار از دید سیاحان غربی که منجر به بروز بیماری‌هایی به ویژه بیماری‌های واگیر می‌شده می‌پردازد.

شیوع بیماری و یاد در بندر بوشهر

از میان تمام بیماری‌هایی که در اوایل قرن بیستم نواحی مختلف ایران را به خود مبتلا کرد و با، قطعاً به عنوان مخوفترین بیماری محسوب می‌شد. این بیماری چندین مرتبه در بنادر شمالی خلیج فارس به ویژه بندر بوشهر شیوع پیدا کرد. (چهره‌نما، س اول، ش ۱۲، ۱۳۲۲ق: ۸) روزنامه‌ی بلدیه در مقاله‌ای با عنوان تاریخ و با در ایران، شروع این بیماری را از سال ۱۳۳۴ ق تا سال ۱۳۲۵ ق. (۱۸۲۰-۱۹۰۷م) می‌داند که هفت مرتبه این بیماری به ایران آمده و هربار تقریباً به تمام ولایت کشور سرایت کرده است. (بلدیه، س اول، ش ۱۶، ۱۳۴۰ق: ۱) اغلب مسیرهای ورود این بیماری از طریق افغانستان (سه مرتبه) و کلکته و هندوستان به خلیج فارس و بندر بوشهر و شهر بصره و بالاخره در غرب ایران (چهار مرتبه) بوده است. در سال ۱۲۸۱ ق. بروز و با به علت ورود زوار مکه در تمام ممالک عثمانی و سرایتش از راه بغداد به ایران فقط در استانبول در ظرف هفتاد روز سی و پنج هزار نفر را تلف کرد. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۸۶۴) با

شیوع این بیماری در مکه قرنطینه درمرزهای کشور صورت گرفت. (ساکما، ش ۳۰۵۲۴۱۰، در آرشیو ۱۰م ن ۱۳) (ضمیمه شماره ۱)

کشتارهای وبا در سال ۱۳۲۵ ق. در بوشهر بسیار زیاد بود. این بیماری در تمام فصول تابستان و پاییز به کشتار سکنه‌ی بوشهر پرداخت و قربانی‌های بی‌شماری داشت. با شیوع بیماری کشتی‌های که به مقصد بوشهر و خارک در حرکت بودند قرنطینه می‌شدند، تا تعداد مرگ و میر حاصل از بیماری کاهش یابد. (ساکما، ش ۲۳۸۷۱۴۴، در آرشیو ۹۸۸ الف ۱۱) (ضمیمه شماره ۲)

گسترش وبا در این سال در کشور بی‌سابقه بود. در بنادر شمالی خلیج فارس روزی ۱۵۰۰ نفر را می‌کشت و چون به ناچار اجساد را به دریا می‌ریختند، بیماری شدت گرفته بود. در بحرین ۴۰۰۰ نفر یعنی دو سوم جمعیت را گرفت. از راه بوشهر به دالکی رسید و از دالکی به شیراز. از جمعیت ۴۰۰۰۰ نفری شیراز، روز اول ۱۰ نفر، روز دوم ۲۰۰ نفر، دو هفته اول ۵۶۰۰ نفر، و در چهار هفته آخرین دوسوم اهالی را نابود کرد. همین وبا که در ایران آنچنان کشتار کرد، به روسیه راه یافت، و از روسیه به سایر کشورهای اروپایی سرایت نمود. در انگلیس به سبب پیشگیری، میزان تلفات به نسبت چندان نبود. به مثل در گلاسکو از ۲۰۰۰۰۰ نفر جمعیت آن ۶۲۰۰ نفر مردند. باقی شفا یافتند. اولیای دولت انگلیس به این نکته مهم توجه کردند که وبا با فقر و تغذیه‌ی بد رابطه مستقیم دارد. (ناطق، ۱۳۵۸: ۱۳)

چند سال بعد یعنی در سال ۱۳۲۸ ق. مجدداً شهرهای جنوبی از جمله بندربوشهر درگیر این بیماری شده و شدت بیماری بسیار بالا بود. (بلدیه، س اول، ش ۱۶، ۱۳۴۰ ق: ۳-۲) حکمران بنادر به منظور کاهش تلفات مرگ و میر ناشی از شیوع بیماری، نامه‌های متعددی جهت استمداد و کمک به پایتخت ارسال می‌نمود. این در حالی بود که بیماری به سرعت به دیگر شهرهای جنوبی سرایت می‌کرد. (ساکما، ش ۲۴۰۰۱۶۴۸۲، در آرشیو ۸۰۲ الف ۵) (ضمیمه شماره ۳)

روزنامه مظفری در این باره می‌نویسد:

«در شهر، بیماری فراوان، کارها درهم، خصوصاً تجارت کاسد، خیالات فاسد از اغتشاش در هر جا دل‌ها آزرده و قلوب افسرده است.» (مظفری، س دهم، ش ۲۳، ۱۳۲۸ ق: ۱) قربانیان این بلا در بوشهر و دیگر شهرهای بنادر خلیج فارس، در درجه‌ی اول، مردم فقیر و تنگدستان بودند؛ کسانی که تاب مقاومت جسمانی در برابر بیماری را نداشتند. دکتر فوریه گواهی می‌داد که «این تلفات بیشتر به فقرا که وسیله‌ی فرار نداشتند و به علت تنگدستی

بیشتر در معرض خطر قرار می‌گرفتند، وارد آمد.» (ناطق، همان: ۱۴) علاوه بر فقرا، وبا معمولاً دامنگیر مردمی می‌شد که از وسایل مقدماتی بهداشت، رفاه اقتصادی و تأمین اجتماعی برخوردار نبودند و از نظر اقتصادی عامل عمده‌ی در کاهش میزان جمعیت و تولید شمرده می‌شد. (همان: ۱۲)

«از آنجایی که چند سالی است مرض وبا طغیانی دارد؛ لهذا لازمی احتیاط و پرهیزگاری این است که شخص قبل از حدوث ملزوماتی که مانع از شیوع آن و در صورت وقوع از طغیان و شدتش می‌شود مرعی دارد. در این اوقات شعبه از علوم که متعلق به حفظ از مرض وباست ترقی کلی کرده و بنا به ملاحظات و تحقیقات دقیقی که در اغلب اماکن نموده‌اند؛ حال، مهارت مخصوصی در تشخیص و تعیین عللی که باعث سرایت ناخوشی از یک محلی به محلی دیگر می‌شود، پیدا کرده‌اند و می‌توان فهمید که وبا چون در یک نقطه‌ی کوهی ارض معالجه به جهت این مرض بجزسته‌اند و شخص مبتلا اگر شفا یافته تقدیری بوده نه تدبیری. اما اطلاعات فوق‌الذکر را فضلا مغنم شمرده و تدابیراتی که مرض را از سرایت و شدت عیاق و مانع می‌آید منکشف ساخته‌اند و تا به حال هر کجا به کار برده‌اند، نتایج خوش بخشیده است.» (ایران، نمره ۷، ۱۲۸۸ق: ۲)

پیش از انقلاب مشروطه در بوشهر شیوع بیماری وبا به حدی بوده که عده‌ی کثیری مجبور به ترک شهر شده و بعد از اتمام بیماری به شهر معاودت کردند. (همان، نمره ۱۴، ۱۲۸۸ق: ۲) اشتداد مرض وبا در ولایات جنوبی به حدی بود که پدر، نعلش اولادش را و مادر، دختر مریض را گذاشت و فرار کرد. اسباب کار متفرق شد و مردم مثل برگ درخت خزان از ناخوشی افتادن حتی فرصت غسل و کفن نمی‌شد. (نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۷۲: ۴۳۸) علت تلفات بسیار زیاد وبا در این بندر ناسالمی شهر بود؛ زیرا از مقررات بهداشتی محروم و از اصول قرنطینه بی‌بهره بود. شهر در حال ویرانی و محتاج تعمیرات بود. محوطه‌ی اطراف دیوارهای شهر به عنوان مستراح روباز مورد استفاده قرار می‌گرفت و جریان آب دریا که از شکاف‌ها و درزهای کنار دریا نفوذ می‌کرد آن را به صورت یک باتلاق بیماری‌زا درمی‌آورد. تعداد مبتلایان به وبا روز به روز بیشتر می‌شد. وحشت و هراس، همه جا را فرا گرفته بود. بانوان انگلیسی وابسته به هیئت نمایندگی و برخی از مؤسسات به جزیره‌ی مجاور که باسیدو نام داشت منتقل گردیدند؛ ولی خود نماینده و پزشک او در شهر ماندند. با پافشاری سفیر بریتانیا در تهران حکومت مرکزی به حاکم بوشهر دستور داده شد کلیه‌ی لباس‌های آلوده را بسوزانند. دفن اموات را در خارج شهر به صورت اجباری اجرا کنند و به توصیه‌های پزشکان خارجی و محلی در زمینه‌ی پیشگیری از شیوع بیماری گوش فرا دهند. (الگود، ۱۳۷۱: ۵۷۵-۵۷۶)

از دیگر عوامل شیوع این بیماری، آب مصرفی اهالی بود که با مشکلات فراوانی رو به رو بود. اهمیت آب در بوشهر بیشتر از لحاظ امراض آن بود، زیرا اغلب میکروب‌های مسریه در آب تمکن داشته‌اند. (بلدیه، س چهارم، ش ۱۰، ۱۳۴۴ق: ۲) هپتیش بروگش نیز در سفرنامه خود توجه حکمرانان بنادر را به مسئله‌ی پاکیزه نگه داشتن آب معطوف می‌کند و سلامتی و بهداشت فرد و جامعه را بستگی به آن می‌داند. (بروگش، ۱۳۷۴: ۸۶)

شیوع بیماری طاعون در بندر بوشهر

بعد از بیماری وبا، در فصله‌ی سال‌های ۱۳۱۵ق. تا ۱۳۳۰ق. دو طاعون وحشتناک بنادر جنوب به‌ویژه بندر بوشهر را در بر گرفت. اهالی که توان مقابله با این بلای خانمان سوز را نداشتند بهترین راه را در فرار می‌دیدند. در اول برج حوت (اسفند) تا آخر برج جوزا (خرداد) طاعون معمولاً بروز می‌کرد. (حبل‌المتین، س ۲۰، ش ۶، ۱۳۳۰ق: ۱۰) و از آنجا که روش انتقال این بیماری بسیار ساده و از طریق تماس و تنفس با فرد بیمار بود، معمولاً این بیماری به دیگر نقاط ایران نیز سرایت می‌کرد.

در دوره مشروطه به دلیل بروز طاعون در بغداد، کلیه شناورهایی که از بصره وارد بوشهر و کلیه بنادر خلیج فارس می‌شدند به مدت ۵ روز تحت نظارت قرنطینه قرار می‌گرفتند. (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۱۱۷)

با شیوع طاعون دکتر انگلیسی مأمور قرنطینه، رسماً اعلام نمود که در بوشهر ناخوشی طاعون بروز نموده و در یک روز که پنج نفر مردند دو نفر آن‌ها طاعونی بودند. و نمایندگان دولت انگلیس بروز طاعون را در بوشهر برای جلوگیری و عدم سرایت آن به جاهای دیگر رسماً به مراکز مهمه اعلان نمودند ولی دکتر قونسلخانه‌ی روس، وجود طاعون را در بوشهر تردید نمود و صریحاً مدعی شد که طاعون در بوشهر ابداً وجود ندارد.

وقایع نگار حبل‌المتین در این باره می‌نویسد:

«چهارم صفر از طهران حکم رسید که داکتر و اطبا و تجار را حکومت جمع نموده، من باب مرض طاعون تحقیقات نماینده نایب بالوزگری انگلیس، حکومت را گفت که داکتر ما با داکتر بزرگ طهران در این خصوص تلگراف نموده، ۲۴ ساعت مجلس را تعویق دارید تا جواب برسد، داکتر روسی می‌گوید مرض در شهر نبوده نیست. باری پولتیک شاید چنین اقتضا نموده است.» (حبل‌المتین، نمره ۳۳، ۱۳۱۷ق: ۳۸۵)

در اواسط ماه صفر، عده‌ی اموات بالنسبه به سابق زیادتر شد و در محله یهود چند نفر به مرض طاعون مبتلا شده، هشت نفر آن‌ها وفات نمود، و بعد از اعلان رسمی انگلستان، به وجود طاعون در بوشهر، دولت علیه

ایران برای حفظ الصحة بنادر و توجه به امور قرنطینه، مأموری مخصوص و طبیبی با علم و تجربه (زین العابدین - خان) را به بوشهر فرستاد و این طبیب برحسب مأموریت، مشغول به عمل تفتیش و کشف از وجود طاعون و دخالت در امور قرنطینه گردید. (سعادت، ۱۳۷۴: ۱۳۳)

طاعون بعدی در سال ۱۳۲۸ ق. در قریه‌ای در ضلع شرقی بوشهر واقع و متصل به شهر است. به علت بی‌اعتنایی در امر لباس اموات طاعونی، طاعون سه سال در بوشهر دوام پیدا کرد، عده‌ی تلفات طاعون سال ۱۳۲۸ ق متجاوز از پانصد نفر بود. که عموماً از طبقات فرودست بودند. مایه کوبی که مورد اقبال واقع شده بود ۴۰۰ نفر معالجه شده بودند، به علت اینکه تعداد اندکی از افراد مایه کوبی کرده بودند مبتلا به این بیماری شده و از پای در آمده اند. به دلیل شیوع بیماری و خالی شدن شهر، مواد غذایی از مناطق داخلی کشور به بوشهر ارسال نمی‌گردید و انتظار می‌رفت که شهر دچار کمیابی و نایابی مواد غذایی گردد. و از این رو قیمت مواد غذایی دایماً رو به افزایش بود. در جریان طاعون سال ۱۳۲۹ ق. در بوشهر، جمع متوفیان بیش از هزار و پانصد و در سنه‌ی ۱۳۳۰ ق. از دوهزار نفر متجاوز بودند. (مشروطیت جنوب ایران، همان: ۲۹۱) با افزایش تعداد مرگ و میر ناشی از بیماری طاعون، اداره گمرک بوشهر مبلغی از عایدات خود را صرف پیشگیری و درمان این بیماری هزینه کرد. (ساکما، ش ۲۴۰۰۵۳۰۴۵، در آرشیو ۵۶۲۵ پ آ ۱، ۱۳۲۹ ق) (ضمیمه شماره ۴)

اکثر نشریات محلی علت اصلی بروز طاعون در بوشهر را کثافت شهر و نبود اداره بلدیة می دانست که باعث تولید مرض طاعون می‌گردید.

وقایع نگار یادگار جنوب می‌نویسد:

«اگر توجه به نظافت و پاکیزگی شهر در این تابستان نشود احتمال می‌رود سال دیگر بوشهر از این مرض به کلی ویران گردد. زیرا که پارسال در موقع بهار این مرض بروز و امساله هم در همان وقت ظاهر گردید. تلفات امسال بیش از سنه قبل بود علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد. این ناخوشی در بوشهر به نفوس بعضی افراد ملت صدمه وارد آورد، ولی اولیاء دولت و وکلاء ملت بدانند که مرضی سخت تر و مهلک تر در کمین است.» (یادگار جنوب، س. اول، ش ۷، ۱۳۲۹ ق: ۶)

علت تمام این مصائب، نتیجه‌ی عدم مراعات اصول نظافت و پاکیزگی و بی‌اعتنایی به قواعد و قوانین حفظ صحت بود. علاوه بر عدم مراعات بهداشت، شرایط آب و هوای بوشهر و دیگر بنادر نیز مزید بر علت می‌شد. هرگاه هوای شهر بوشهر، ملایم‌تر و سالم‌تر شود، اسمی از تب و بیماری در میان نیست و صحت

عمومی الحمد حاصل است. (مظفری، س دوم، ش دوازدهم، ۱۳۲۰ق : ۱۹۱) به واسطه‌ی تغییر هوا و ابتدای گرما کلیت امراض مسری مانند طاعون و وبا در این روزها نهایت شدت نموده، گرمای زیاد و ابخره کثیفه که از کثافات کوچه‌ها برمی‌خیزد مزید بر علت شده است. سنه‌ی ماضیه از طرف اداره‌ی جلیله گمرک و قرنطینه مساعی جلیله در تنظیف نمودن معابر به عمل آمده بود. امسال نیز عموم اهالی (یعنی آن قسمتی از اهالی که خودشان تولید این کثافت را نمی‌کنند) چشم داشت تجدید این عمل خیریه را که در واقع حفظ نفوس است و بزرگترین را در عالم دیانت و مدنیت داراست، از جانب ایالت کل یا اداره‌ی جلیله گمرک و قرنطینه دارند، خصوصاً تنظیف کثافات متنفرانه که پشت دیوارها جمع گردیده است که علاوه بر تولید امراض باعث خجالت و خفت در انظار خارجه است. (مظفری، نمره ۹، ۱۳۲۰: ۱۳۹) دردیگر منابع نیز دلیل بروز بیماری طاعون در بوشهر، نبودن نظافت و پاکیزگی و ریختن کثافت و خاکروبه خانه‌ها به داخل کوچه‌ها و محله‌های عبور عابری و همچنین به سبب نبودن تنظیف در بوشهر می‌دانند واکثر مردم نیز از نظافت محله‌ها و علاج دردخود خودداری می‌کنند، که به شدت و حدت بیماری طاعون افزوده می‌شود. (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۱: ۱۱۶) روزنامه مظفری یکی دیگر از دلایل بروز شیوع طاعون در بنادر جنوبی را انتقال این بیماری از احشام می‌داند:

«مرض طاعون که چندی است خاطره‌ها را پریشان کرده بدوا از احشام حوالی بوشهر منتشر شده که گویا مسافرین بحرین آن را به ارمغان آوردند. از اول برج حمل تا این تاریخ ۱۱ نفر به این مرض تشخیص شده که ۶ نفرشان فوت نموده اند و ۵ نفر علاج شده، با انتظامی که در تنظیف شهر و اصلاح و تعمیر سلاخ خانه کرده اند که قابل تمجید است هرگاه گرما زیاد شود، امید است این مرض بالمره رفع شود. (مظفری، س دهم، ش سوم، ۱۳۲۸ق : ۱۶) هرگاه هوای بوشهر ملایم تر و گرم تر شود، اسمی از تب و بیماری در میان نیست و صحت عمومی حاصل است. (مظفری، نمره دوازدهم، ۱۳۲۰ق : ۱۹) طاعون دیگری در سال ۱۳۳۴ق در بوشهر شیوع پیدا کرد که به سرعت به دیگر بنادر به‌ویژه محمره انتقال یافت. «هر روز بیش از پنجاه نفر تلف می‌شوند جناب جلالت‌ماب اجل عالی احمدخان دریابگی کمال مراقبت در اهتمام عمل نظافت بلد و عمل قرنطینه دارند و در حقیقت پاکیزگی خیلی دخیل است» (چهره‌نما، س اول، ش ۸، ۱۳۲۲ق : ۱۳) چند سال بعد طاعون دیگری در بندر محمره گزارش شده که تعداد ۴۷ نفر در اثر این

بیماری کشته شدند. (ساکما، ش ۸۷۳۷، ۲۹۳۰۰، در آرشیو ۵۰۲ ک الف، ۱۳۰۲ ش) (ضمیمه شماره ۵) با گسترش این بیماری، نامه های متعددی از طرف حکومت مرکزی به حکمران بنادر ارسال می گردید، تا هرچه سریع از گسترش و شیوع بیماری طاعون در بندر این بنادر جلوگیری نماید. (ساکما، ش ۲۹۰۰۰۹۵، در آرشیو ۱۹۵ و الف ۱، ۱۳۲۹ ق) یکی از اقدامات حکمران بنادر در این زمینه، اعمال مقررات قرنطینه برای مسافران بود. (ساکما، ش ۲۹۰۰۰۵۷۶۹، در آرشیو ۷۱۲ ن الف ۱، ۱۳۰۲ ش) (ضمیمه شماره ۶) در همین راستا حکومت مرکزی به حاکم بوشهر دستور داد، کلیه لباسهای آلوده را بسوزاند، دفن اموات را در خارج شهر بصورت اجباری اجرا کند و به توصیه های پزشکان خارجی و محلی در زمینه پیشگیری از شیوع بیماری گوش فرار دهد. (الگود، همان: ۵۶۸)

هنگامی که اپیدمی بسیار شدید طاعون در منطقه‌ی خلیج فارس حادث شد، مقامات دولت انگلستان پیشنهاد تأسیس مراکز قرنطینه و اجرای مقررات آن را نمودند و اقدامات خود را در بوشهر آغاز کردند. این قرنطینه‌ها در پنج ایستگاه بوشهر، محمره، بندرعباس، و بندرلنگه به اجرا درآمد و اعضای از خدمات پزشکی هندوستان کادر این ایستگاه‌ها را تشکیل داده و زیر نظر یک پزشک در بوشهر، نظارت می‌شدند، این امر با مخالفت مردم و روحانیون محلی مواجه و عملاً منجر به بلوای بزرگی شد. (فلور، ۱۳۸۶: ۲۷۶-۲۷۵) محل قرانتین بوشهر در جزیره ای کوچک به نام عباسک (عباس آباد) در شمال بوشهر قرار داشته است. (زنگنه، ۱۳۸۰: ۱۸۱)

ایجاد قرنطینه در بنادر جنوبی ایران همواره مورد توجه دول خارجی که در این بنادر منافع اقتصادی و سیاسی داشتند، قرار داشت. دکتر کولویل^۱، جراح ارشد هیئت نمایندگی بریتانیا در بغداد، نخستین کسی بود که مسئله‌ی لزوم تأسیس یک مرکز قرنطینه ننگهبانی را در دهانه‌ی خلیج فارس برای محافظت هندوستان مطرح کرد. این شخص در گزارش رسمی خود. خطاب به ژنرال کنسول، این نیاز را متذکر شده، چنین می‌گوید: « اگر قرار باشد قرنطینه اجرا شود باید مراقبت شود که کمسیون بین‌المللی موجود در قسطنطنیه اجازه‌ی دخالت در این زمینه را پیدا نکند؛ زیرا من دو بار تحت مقررات قرنطینه این بوده‌ام و دوست ندارم وقتی که سلامت مردم هندوستان در معرض خطر قرار می‌گیرد یکبار دیگر با آن نمایش مضحک و خنده‌دار روبرو گردم» (همان: ۵۷۶) وجود اپیدمی گسترده و بیماری‌های مسری در منطقه‌ی خلیج فارس، موجب توجه جهانیان را به این منطقه گردید. زیرا خلیج فارس برای کشتیرانی دنیا به صورت مسئله‌ی مهمی در آمده بود و برای جلوگیری از

^۱ Colloel

پخش اپیدمی‌ها در قاره‌ی اروپا و همچنین محافظت هندوستان، به ایران جهت وضع قوانین قرنطینه‌ای احداث ایستگاه‌های قرنطینه‌ای فشار وارد می‌آوردند. با توجه به این مهم، سفیر امپراتوری اتریش در نامه‌ای با عنوان اینکه دولت ایران از حفظ منطقه خلیج فارس و جلوگیری از بیماری‌های واگیر ناتوان است پیشنهاد کرد یک شورای زیر نظر حکومت‌های خارجی بر قرنطینه بنادر جنوب نظارت کند و رئیس آن ایرانی باشد. دولت انگلیس از این پیشنهاد استقبال کرد و نظر دولت ایران را جویا شد. ایران پس از بررسی این موضوع اعلام کرد که با تمام قسمت‌های آن به استثنای قسمت‌های مالی موافق است. این طرح به علت اختلافات مالی به نتیجه‌ای نرسید و موضوع قرنطینه بنادر خلیج فارس برای بیست سال مسکوت ماند، البته همچنان از ورود مسافران و کشتی‌های آلوده به بیماری‌های مسری به بنادر جلوگیری به عمل می‌آمد. در صفر سال ۱۲۹۵ق. کارگزاران ایران به بالیوز بوشهر اعلان کرده اند که کشتی‌هایی که از جده وارد بوشهر می‌شوند حامل بیماری هستند؛ لذا باید در قرنطینه توقف کنند تا مسافران آن‌ها به جزیره‌ی خارک بروند و مورد بررسی و معاینه قرار بگیرند. پس از تحقیق انگلیسی‌ها معلوم می‌شود که خبر رسیده به کارگزاران ایرانی درست نبوده است. همچنین در سال ۱۳۰۷ق. به علت شیوع بیماری‌های در بصره و محمره و مهاجرت برخی از مردم این دو شهر از ترس بیماری به بوشهر و بندر دیر، سعدالملک دستور می‌دهد تا در جزیره‌ای واقع در سه چهار فرسخی لوازم قرنطینه را مهیا کنند. (ساکما: ۷۴۰۴/۲۴۰)

سرانجام به دلیل شیوع بیماری طاعون در هند و گسترش آن در خلیج فارس دولت انگلیس را وادار به نشست کمیسیون بهسازی بین‌المللی در استانبول و وین کردند تا یک شورای عمومی را در این استان‌ها سازماندهی کند و احداث این قرنطینه‌ها هرچند در عمل کارآمد نبودند، اما موجب آشنایی حکیمان ایران با اصول و مراقبت‌های بهداشت عمومی شد و از طرفی دیگر نیز مردم را از خدمات کادر پزشکی این قرنطینه‌ها بهره‌مند شده و با سیستم طب غربی آشنا می‌شدند. (نبی پور، ۱۳۹۱: ۷۵-۷۴)

دریابگی از جمله حکمرانانی بود که برای رونق امور قرنطینه اهتمام جدی داشت و زیر نظر او مأمورین قرنطینه نسبت به فقیر و غنی تبعیضی روا نمی‌داشتند و در مقابل رشوه نیز کسی را مرخص نمی‌کردند؛ در واقع با تدابیر وی دست تعدی مأمور قرنطینه از فقرا و بیچارگان کوتاه شده بود. دریابگی از تهران درخواست کرد چند دکتر قرنطینه ایرانی به بوشهر اعزام کنند و همچنین عمارتی برای اداره‌ی قرنطینه در جزیره‌ی عباسک در نظر گرفت که ظرفیت بیست نفر را داشت. (حبل‌المتین، س ۷، ش ۱۲، ۱۳۱۷ق : ۱۰)

قرنطینه‌ی بندر بوشهر و محمره از مهم‌ترین و حساس‌ترین قرنطینه‌ها بود که به سبب رونق تجاری محمره و آبادان و همچنین مسیر عبور و مرور زوار و مسافری شرایط خاصی داشت ولی با این اوصاف وضعیت خوبی نداشت به نحوی که کسانی که در محمره قرنطینه می‌شدند، یک بار دیگر در بصره نیز تحت قوانین قرنطینه قرار می‌گرفتند و این نشان می‌دهد کیفیت قرنطینه در این بندر به نحو مطلوبی اجرا نمی‌شد. (همان، س ۶، ش ۱۶، ۱۳۱۶ق: ۱۲) بعد از وبا و طاعون، مالاریا، بیماری‌های چشمی، پوستی و آبله به میزان ۵۲/۲ درصد از کل را به خود اختصاص می‌داد. بوشهر با ۲۴ هزار سکنه به نسبت بندرعباس یا لنگه (با اندازه‌ی جمعیت مشابه) تعداد مراجعین بالاتری را برای مداوی این بیماری‌ها به دواخانه داشت. (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۳: ۶۰۰)

اما بیماری که مخصوص به بنادر جنوب بود، رشته نام داشت که گرمی است باریک و بلند که در بدن انسان تولید می‌شود، اسم این بیماری به فارسی رشته و به تازی عرق مدنی می‌گویند؛ شاید در سوابق ایام در مدینه‌ی منوره وفور داشته یا اینکه مخصوص به مدن و بلاد بوده، چنانچه حال هم دیده می‌شود روستاییان و کشاورزان اطراف بندرعباس بدان مبتلا نشوند. (همان) این بیماری در هندوستان نارو و در بوشهر پیوک نام داشت. میکروب رشته در بدن بیمار تبدیل به کرم می‌شد و همان‌جا تولیدمثل انجام می‌داد و بعد از رشد از مواضع مختلف بدن بیرون می‌آمد. به عقیده سدیدالسلطنه این بیماری از استعمال آب راکد در آب انبارها به بدن سرایت می‌کند. جالب آنجا بود که خود اهالی کمتر بدین بیماری مبتلا می‌شدند و اغلب مسافرین دچار این درد می‌شدند؛ چنانچه تاورنیه در سفر خود به لار خود دچار این بیماری شد. (سدیدالسلطنه، ۱۳۴۵: ۶۴۱) این کرم از طریق آب آلوده وارد معده شده، رشد می‌کند و در طول ماهیچه‌های بدن به راه می‌افتد و بعد از آنکه باعث درد و رنج فراوان شد عاقبت از پوست بدن سر در می‌آورد که معالجه‌اش نزد بومیان آسان است ولی حوصله زیادی را می‌طلبد. همین که کرم از بدن سر در می‌آورد جلد را شکافته و سر آن را با سنجاق به قرقه‌ای وصل می‌کنند و همه روزه قرقه را کمی می‌چرخانند تا به آن پیچد و پس از مدتی از بدن خارج شود. پاره‌ای از آنها ممکن است در عرض یک هفته از بدن خارج شوند و برعکس پاره‌ای در مدت دو ماه هم از بدن بیرون نمی‌آیند. بدبختانی هم در این شهر دیده می‌شوند که چندین بار گرفتار این بلا شده‌اند. اروپاییان و سکنه‌ی متمول بوشهر هرگز از آب بوشهر مصرف نمی‌کنند؛ ولی اشخاص فقیر و بیچاره ناچارند از همین آب مصرف کنند و در تمام طول عمر به این بلا گرفتارند. او علاوه بر این، از شیوع انواع دیگر بیماری‌های خطرناک با تلفات بسیار مانند دیفتری، وبا و تب‌های موزی در بین مردم بومی منطقه و در تمام فصول سال خبر می‌دهد. وی فقرا و کارگران

بی‌بضاعت را که معمولاً در طبقه‌ی زیرین خانه‌ها منزل دارند، در معرض چنین بیماری‌هایی می‌داند. از دیدگاه او چنین افرادی با خوردن غذاهای بد و آشامیدن آب‌های مضر به تب‌های مسری مبتلا می‌گردند، فلج می‌شوند و از کار می‌افتند و طولی نمی‌کشد که تلف می‌شوند. (دیالافوا، ۱۳۶۱: ۴۹۹-۵۰۰)

فتحعلی‌خان صبا ملک‌الشعرای کاشانی نیز در دیوانش که تقریباً ۳۰ هزار بیت می‌شود چند بیت در صفت بیماری رشته (پیوک) وجود دارد که می‌فرماید:

این رشته که تقدیر به پایم هشته بیرون برد از دست قضا سرشته

در پای من رفته ز دست مفلوک بنهاد فلک سلسله از بند پیوک

از شدت درد و قوت ضعف تم باریک و ضعیف گشته چون رشته‌ی دوک

(سدیدالسلطنه، ۱۳۶۳: ۲۵)

البته گوینوی فرانسوی علل شیوع این بیماری‌ها را در طبیعت نامساعد خلیج فارس می‌داند و می‌نویسد: «طبیعت با خلیج فارس یاری نکرده که آن را منطقه‌ای دلپذیر بسازد، زیرا همه جا شن و باتلاق‌های متعفن است؛ به همین جهت است که بخش بزرگی از سال، تب نوبه و گاهی وبا شیوع می‌یابد.» (گوینو، ۱۳۶۷: ۱۱۲)

آثار مخرب شیوع بیماری‌های واگیر در بندر بوشهر

همه‌گیری بیماری وبا و طاعون آثار بسیار مخربی بر حیات اجتماعی و اقتصادی بندر بوشهر برجای داشت. بطوری که فقدان نیروی انسانی ناشی از بیماری بسیار بالا بود. اما امکان محاسبه تلفات ناشی از آن وجود نداشت. زیرا هیچ‌گونه اطلاعاتی در مورد میزان مرگ و میر در نواحی روستایی موجود نداشت. اهمیت وبا تنها در میزان کشتار و کاهش جمعیت نبود و درک اجتماعی کسانی هم که شاهد این کشتار بودند نکته مهمی بود آنان دریافتند که قربانیان این بلا در درجه‌ی اول تنگدستان بودند که تاب مقاومت جسمانی نداشتند. اگرچه تأثیر وبا تنها در ازدیاد فقر و بی‌نظمی نبود. (ناطق، همان: ۴۷)

کاهش گسترده تجارت یکی از بارزترین نتایج شیوع این بیماریها بود. بازارها تعطیل شد و راه دادوستد با ولایات مسدود گشت. (سیف، ۱۳۸۷: ۵۵) وبا و طاعون باعث ایجاد ناامنی در راه‌ها و مسیرهای ارتباطی شده بود. مال‌التجاره‌ها حمل نمی‌شدند. هیچ کس جرئت رفت و آمد نداشتند، کسی اختیارجان و

مال خود را ندارند هرکس مال کسی را ببرد و بخورد فریادرسی نیست. وضعی شده است که شبها ۲ ساعت که از شب گذشته در کوچه ها نمی شود رفت. مردم را برهنه می کنند؛ همچنین در بیرون کمال اغتشاش وجود دارد. غروب آفتاب پشت دروازه شهر کسی جرئت ندارد تا چه برسد به یک فرسخی و دو فرسخی که مال مردم را می برند و جان در معرض خطر است. (ناطق، همان: ۴۴)

کرزن در کتاب خود درباره موانع طبیعی در راه ترقی تجارت در بندر بوشهر می نویسد:

پیش آمد ناگهانی و با مانع پیشرفت کسب و کار تجارتي شد، تجارت غله هم غالباً به سبب احتکار حرص آمیز که متناسب با روش آزمندانهای بعضی از حکام بود موجب لطمه و اختلال گردید. (کرزن، ۱۳۸۰: ۶۹۲)

کاهش نیروی انسانی حاصل از شیوع بیماری مهم ترین عامل رکود در اقتصاد بنادر جنوبی بود. با از دست رفتن نیروی کار، توانایی تولید ارزش مازد را هم از اقتصاد بنادر به در برد و با انتقال این نیروی کار فعالیت های اقتصادی با مشکلات فراوانی مواجه شد. (سیف، همان: ۱۹)

روزنامه مظفری درباره آثار شوم طاعون در بوشهر می نویسد:

«بیماری مسری طاعون سبب وحشت خواطر و توهم قلوب عموم اهالی شده؛ هرکس توانست به خارج حرکت نموده، هرکس قدرت به سکنا بیرون داشت همه با اهل و عیال از بوشهر خارج شدند و در عمارت بیرونی ها از احشامات سنگی و پودر و شکری تا ریشهر و مقام چاه باغ سکنا گزیدند؛ هر کس نتوانسته مسافرت کند یا از شهر خارج شود در آتش وحشت و واهمه می سوزد و می سازد؛ روزانه بیش از سه چهار نفر از این مرض تلف می شوند، آنچه مهم است توهم اهالی خودش بزرگترین علت است.» (مظفری، س دهم، ش ۳، ۱۳۲۸ق: ۱۲) در بوشهر تعداد زیادی از این مرض کشته شده اند. ارقام نشان می دهد، درصد میزان مرگ و میر کودکان در آن زمان بیشتر بر اثر طاعون بوده است. (جنوب، س اول، شماره ۲۷، ۱۳۲۹ق: ۶) بیماری طاعون، تجارت مختل، اراضی مزروع همه بایر، باغ ها و مزرعه ها ویران، رعیت گدا و به اطراف عراق و عمانات پراکنده می باشند. (یادگار جنوب، س اول، ش ۱۲، ۱۳۲۹ق: ۸)

بطور کلی مردم بندر بوشهر نسبت به وضعیت عمومی بهداشت اجتماعی بی اهمیت بودند و همین عامل سبب شده بود با وقوع بیماری های همه گیر، آمار بالایی از مرگ و میر در این بندر ثبت شود.

بهداشت عمومی مردم بندر بوشهر در دوره قاجار وضعیت مساعدی نداشت. آب هوای گرم این منطقه درکنار ارتباط و تجارت با ملل مختلف، زمینه های شیوع و گسترش انواع بیماری ها را به وجود آورده بود. از سوی دیگر مردم این منطقه نیز چندان مایل به رعایت بهداشت اجتماعی نبودند و از این روی در معرض شیوع انواع بیماری ها بودند. دو نوع بهداشت سنتی و مدرن در حال اجرا در این بندر بود و مشکلات طبیعی نیز بر سختی کار می افزود. با توجه به چالشهای فراوانی که ناشی از گفتمان سنتی در برابر پزشکی جدید بود، روند توسعه در عرصه های علمی و پزشکی با مشکلات جدی مواجه بود.

به دلیل عدم توجه مردم بنادر نسبت به بهداشت فردی و اجتماعی با وقوع یکی از بیماریهای همه گیر، آمار بالایی از مرگ و میر در این بنادر ثبت می شد. آب ناسالم آشامیدنی، دفع غیربهداشتی فضولات در شهرها و اماکن عمومی، وجود کثافات، عفونت و تجمع بسیار زیاد حشرات و آب و هوای گرم علت عمده بیماری ها و ناخوشی های همه گیر جامعه بود. از سوی دیگر دولت مردان ایران، توجه جدی به بهداشت این منطقه نداشتند و این غفلت باعث شده بود بیماریهای مختلف در بنادر رواج یابد و از آن جا به دیگر نقاط ایران تسری کند. کمبود دارو و امکانات بهداشتی و همچنین فقر و محرومیت اهالی بر شدت آن می افزود. اگرچه اقدامات اولیه ای مانند، ایجاد قرنطینه و پرداختن بلدی به نظیف معابر برای کنترل بیماری ها در بندر بوشهر اعمال می شد. اما این اقدامات تاثیری در شیوع بیماری ها نداشت. دولتمردان وقعی به بهبود اوضاع بهداشتی نمی گذاشتند، ضعف ساختار اداری دولت ایران نیز سبب شده بود که انگلیسیان اداره امور قرنطینه را در دست بگیرند که این نیز مشکلات خاص خود را به دنبال داشت.

در پایان بیان این نکته ضروری است که فقدان بهداشت عمومی، عدم آگاهی ناقلان بیماری از دیگر عواملی بود که موجب گسترش بیماری در بنادر بود که مهاجرت سیل گسترده از افراد را برای فرار از میدان بلا به کشورهای همجوار در پی داشت.

منابع

الف) نشریات

- ۱- ایران، نمره ۷، ۱۲۸۸ق.
- ۲- ایران، نمره ۱۴، ۱۲۸۸ق.
- ۳- بلدی، سال اول، شماره ۱۶، ۱۳۴۰ق.

- ۴- بلدیة، سال چهارم، شماره ۱۰، ۱۳۴۴ق.
- ۵- حبل المتین، نمره ۳۳، ۱۳۱۷ق.
- ۶- حبل المتین، سال ۷، شماره ۱۶، ۱۳۱۷ق.
- ۷- حبل المتین، سال ۷، شماره ۱۲، ۱۳۱۷ق.
- ۸- حبل المتین، سال ۲۲، شماره ۳۲، ۱۳۲۲ق.
- ۹- جنوب، سال اول، شماره ۲۷، ۱۳۲۹ق.
- ۱۰- مظفری، نمره دوازدهم، ۱۳۲۰ ق.
- ۱۱- مظفری، سال دوم، شماره ۹، ۱۳۳۶ق.
- ۱۲- چهره‌نما، سال اول، شماره ۱۲، ۱۳۲۲ق.
- ۱۳- چهره‌نما، سال اول، شماره ۸، ۱۳۲۲ ق.
- ۱۴- مظفری سال دوم، شماره ۱۲، ۱۳۲۰ق.
- ۱۵- مظفری، سال دهم، شماره ۳، ۱۳۲۸ق.
- ۱۶- مظفری، سال دهم، شماره ۲۳، ۱۳۲۸ق.
- ۱۷- یادگار جنوب، سال اول، شماره ۷، ۱۳۲۹ق.
- ۱۸- یادگار جنوب، سال اول، شماره ۱۷، ۱۳۲۹ق.

ب) کتاب ها

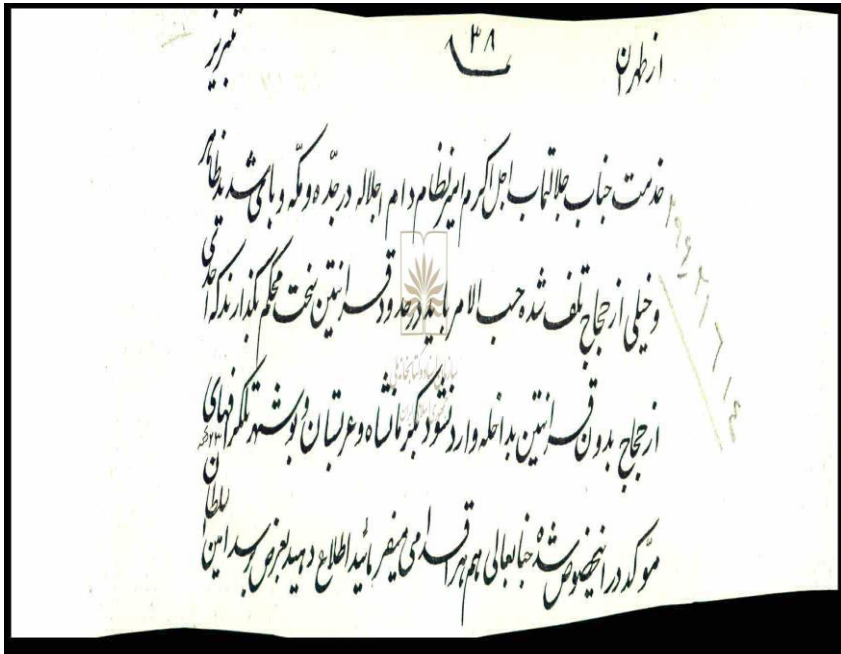
- ۱۹- الگود، سیریل. (۱۳۷۱) تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی، چاپ دوم. ترجمه محمد فرقانی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲۰- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۷) تاریخ منتظم ناصری، تصحیح: محمداسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران: انتشارات دنیای کتاب.

- ۲۱- بروگش، هینریش. (۱۳۷۴) سفرنامه، در سرزمین آفتاب، ترجمه: مجید جلیلود، تهران: نشر مرکز.
- ۲۲- دیا لافوا، ژان پل راشل. (۱۳۶۱) سفرنامه مادام دیا لافوا، ترجمه محمدعلی فرهوشی، تهران: کتابفروشی خیام.
- ۲۳- زنگنه، حسن. (۱۳۸۳) جنوب ایران به روایت سفرنامه نویسان، شیراز: نوید.
- ۲۴- سدیدالسلطنه کبابی، محمدعلی. (۱۳۴۵) بندرعباس و خلیج فارس، تصحیح: احمد اقتداری، تهران: کتابخانه‌ی ابن سینا.
- ۲۵- سدیدالسلطنه کبابی، محمدعلی. (۱۳۷۱) سرزمین های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان، تهران: نشر جهان معاصر.
- ۲۶- سدیدالسلطنه کبابی، محمدعلی. (۱۳۶۲) سفرنامه‌ی سدیدالسلطنه: الاتوفیق فی سیر الطریق تصحیح و تحشیه، احمد اقتداری، تهران: نشر بهشهر.
- ۲۷- سعادت، موسی. (۱۳۷۴) تاریخ جغرافیای عرب خوزستان، تهران: نشر آرزان.
- ۲۸- سیف، احمد. (۱۳۸۷) قرن گمشده (جامعه و اقتصاد ایران در قرن نوزدهم)، تهران: نشر نی.
- ۲۹- فلور، ویلهلم. (۱۳۸۶) سلامت مردم در ایران قاجار، ترجمه‌ی ایرج نبی پور. بوشهر: انتشارات مرکز پژوهش‌های سلامت خلیج فارس.
- ۳۰- کرزن، جرج ناتل. (۱۳۸۰) ایران وقضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- ۳۱- گوینو، ژوزف آرتور کنت دو. (۱۳۶۷) سفرنامه‌ی کنت دو گوینو، سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر کتاب سرا.
- ۳۲- مشروطیت جنوب ایران به گزارش بالیوز بریتانیا در بوشهر (۱۹۱۵-۱۹۰۵م) ۱۳۳۳-۱۳۲۳ق) (۱۳۸۶) ترجمه: حسن زنگنه، بوشهر، موسسه مطالعات معاصر ایران و بنیاد ایرانشناسی استان بوشهر.
- ۳۳- ناطق، هما. (۱۳۵۸) مصیبت و با بلای حکومت، تهران: نشر گستره.

۳۴- نبی‌پور، ایرج. (۱۳۹۱) طب سینایی در گذر از مدرنیته در ایران قاجار، بوشهر: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر.


ج) اسناد

- ۳۵- اسناد ملی ایران ، ش ۳۰۵۲۴۱۰، در آرشیو ۱۰۵ م ن ۱۳، ۱۳۹۹ق.
- ۳۶- اسناد ملی ایران ، ش ۲۹۳۰۰۸۷۳۷، در آرشیو ۵۰۲ ک ۵الف، ۱۳۰۲ش.
- ۳۷- اسناد ملی ایران ، ش ۲۴۰۰۱۶۴۸۲، در آرشیو ۸۰۲ ل ۵الف، ۱۳۲۸ق.
- ۳۸- اسناد ملی ایران ، ش ۲۳۸۷۱۴۴، در آرشیو ۹۸۸ ب ۱۱ الف. ۱۳۲۹ق.
- ۳۹- اسناد ملی ایران ، ش ۲۴۰۰۵۳۰۴۵، در آرشیو ۵۶۲۵ پ ۱، ۱۳۲۹ق.
- ۴۰- اسناد ملی ایران ، ش ۲۹۰۰۰۵۷۶۹، در آرشیو ۷۱۲ الف، ۱، ۱۳۰۲ش.
- ۴۱- اسناد ملی ایران ، ش ۲۹۰۰۰۰۹۵، در آرشیو ۱۹۵ و الف ۱، ۱۳۰۲ش.



(ضمیمه شماره ۱) شیوع بیماری در مکه و برقراری قرنطینه در مرزهای کشور

he assumed, as Col. Ross has conjectured, that
 this measure has been adopted, the consequence of
 incorrect information having reached the Russian Govt.
 I therefore hasten to bring these circumstances to
 your attention, the knowledge of the Russian Govt about
 you the Honors, will take immediate steps before any
 word with penance has arrived to prevent this
 very unnecessary and vexatious measure being
 carried into effect -
 I await myself, &c

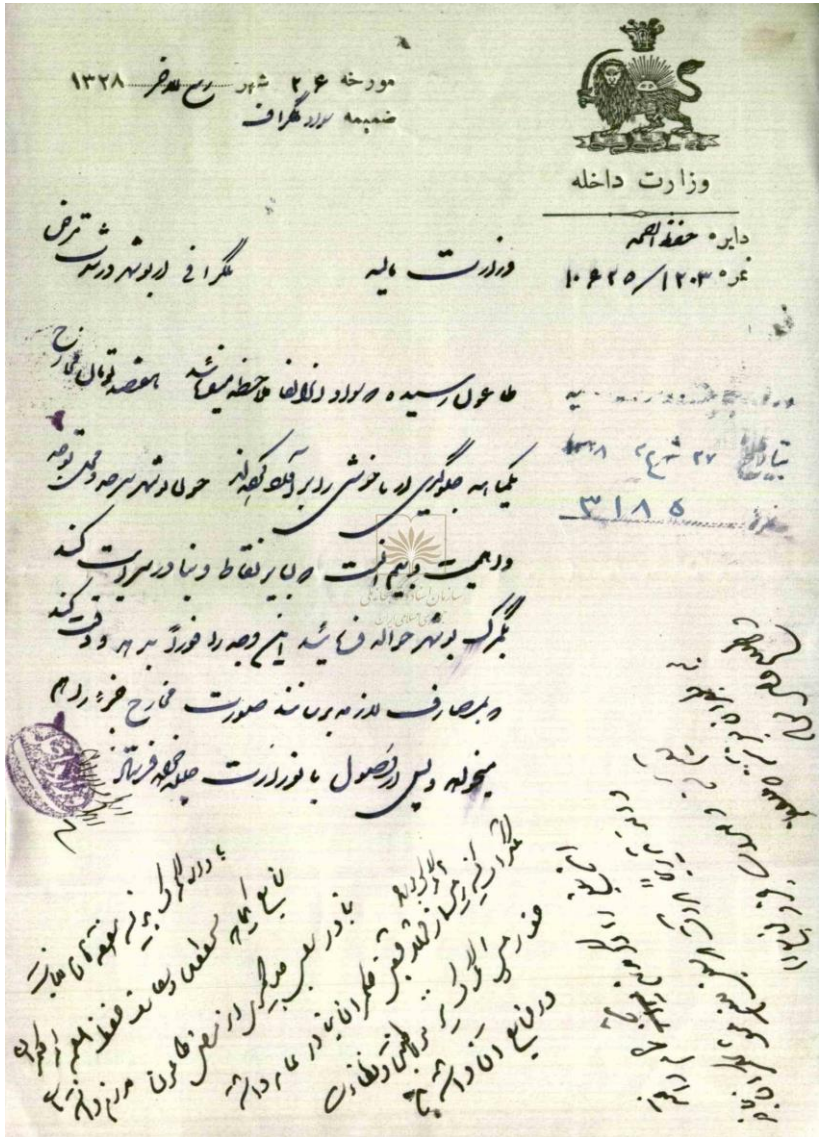

M. S. T.

صاحب دکرگفت آتیه در ارتقا که میرفتیست عملاً، اکثری ستمد را برود و صمد کنه است
 کا که فرجه کله جنت که کورده را در خرد و خوله ایران، که ده که کوشش است، چه از طرف و طلبه او، که می فرمایند تا بکنه، هر اراده
 است و انبیا، در وقت که که بود، کنش را از آن جیش و شرم و هم و عدل سخن است، که این کوشش را می، با معنی اولی
 و انبیا، در وقت که که بود، کنش را از آن جیش و شرم و هم و عدل سخن است، که این کوشش را می، با معنی اولی
 موقوف است بر آن، که تا به تری می، این است، که بر سیده است
 سیدان، در زمانه امیران و قیام است، این است، که بر سیده است، این است، که بر سیده است
 در جریه ها، که در وقت که که بود، کنش را از آن جیش و شرم و هم و عدل سخن است، که این کوشش را می، با معنی اولی
 بر این سیدان، که در وقت که که بود، کنش را از آن جیش و شرم و هم و عدل سخن است، که این کوشش را می، با معنی اولی
 و وقت، که در وقت که که بود، کنش را از آن جیش و شرم و هم و عدل سخن است، که این کوشش را می، با معنی اولی

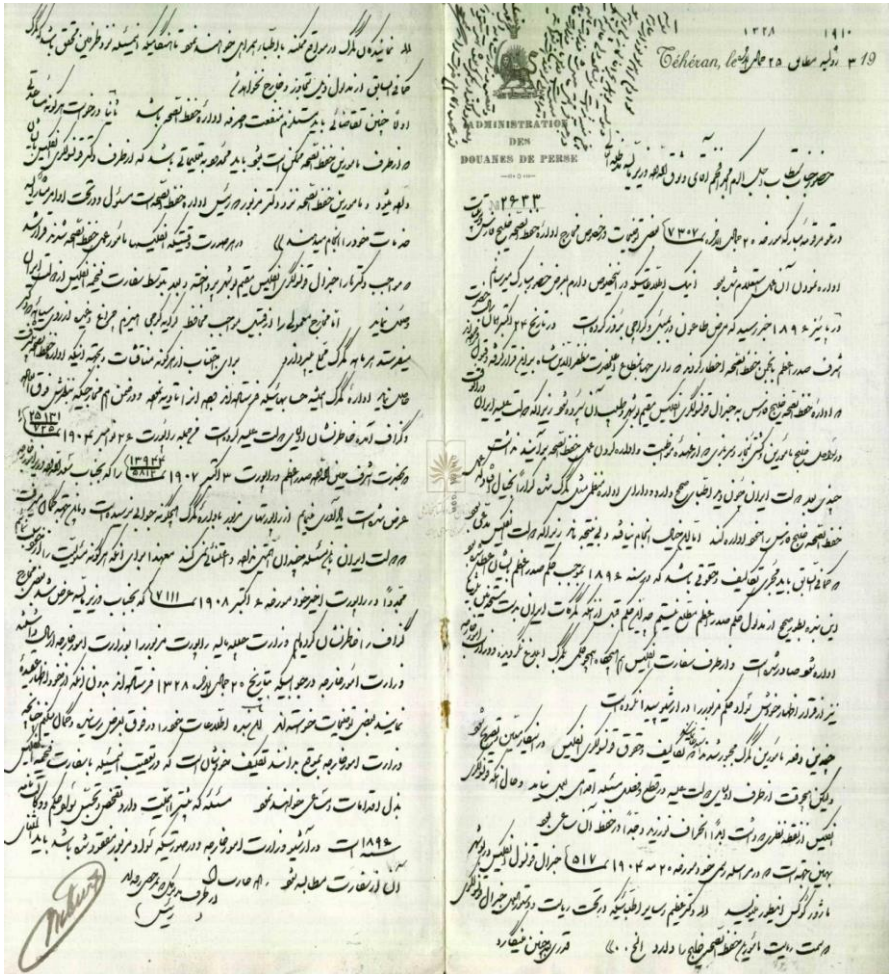
۱۲۹۰

۸۰۱۶*

(ضمیمه شماره ۲) قرنطینه کشتی ها به دلیل شیوع بیماری در بوشهر




(ضمیمه شماره ۳، ص ۱) گزارش از شیوع بیماری طاعون در بندر جنوب و استمداد از مرکز



(ضمیمه شماره ۳، ص ۲) گزارش از شیوع بیماری طاعون در بنادر جنوب و استمداد از مرکز

۱۳۴

۶۶۳



اداره نلکرافی دولت علیه ایران

نمبره کتاب ۷۷۹

مه ۱۳۰

از	نمبره قبضه	۴۴۹	عدد لغات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	اسم گیرنده
به	نمبره تلگراف	۲۰	۵۲	۱۳			بنداری

وزارت بهداشت و درمان

طبع به راه

عقد و بلز

عزیز

رضا طها

فهمه

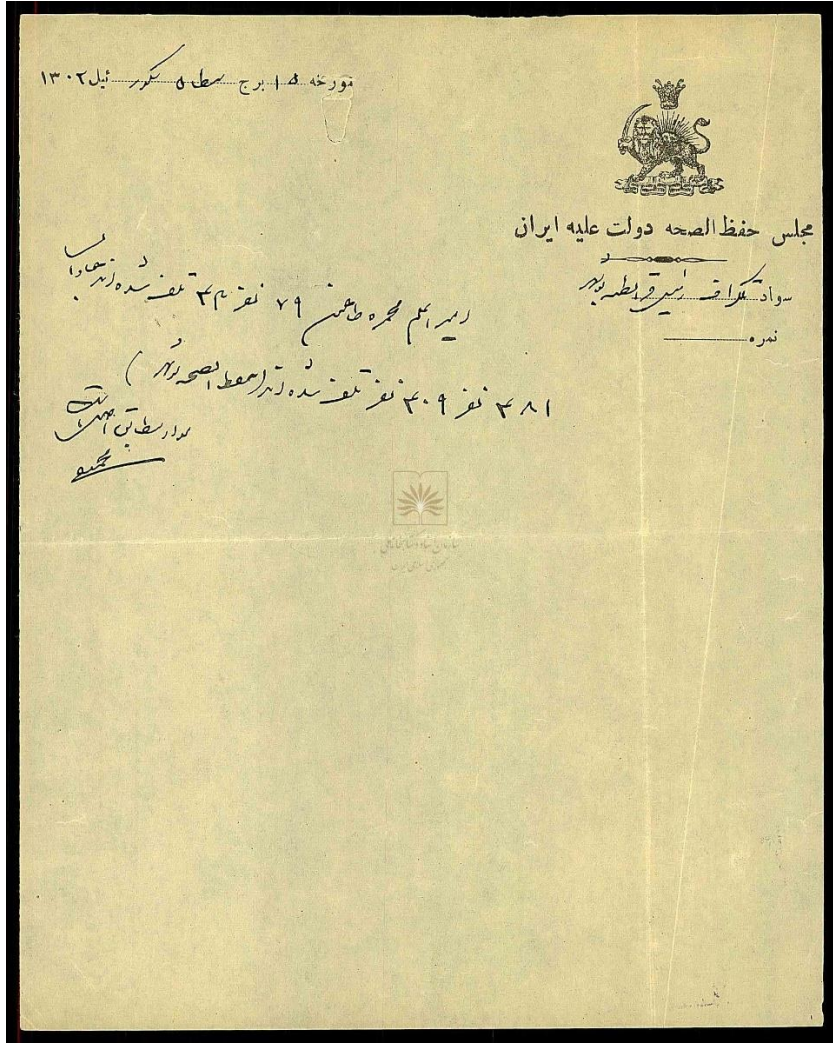
اطباء

دوا


مردود

۳۳

(ضمیمه شماره ۴) اختصاص عایدات گمرک برای جلوگیری از شیوع بیماری در بنادر جنوب



(ضمیمه شماره ۵) تلگراف رییس قرنطینه بوشهر در مورد تعداد کشته های بیماری طاعون

M, 16				۱۹۹۰ م	
ص ۱۳۰		اداره تلگرافی دولت علیه ایران		نمره کتاب	
از	نمره قبض	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول
به	نمره تلگراف				امم گیرنده

البرت جی. سی ۱۳۰ دلو

بهاذ با در پیچیده نواز دو بجم از ترس کما عنون فرار نموازم فرآورده
 یک نفر آنها مریض به فوت شده بینه در قرطبه مینه از طرف حکومت
 مگر کفر فرزند گشته شد م از کوه جهازات با در بدو به و سخنان منع و
 تا حاضر به از نیز در بر اعمرت ما بجم در سر اسفله گنت بینه شد کله از
 سه آله شد شیب و بانه قاجار علی

در رجب
 ۱۱/۱۵

۱۲ دی ۱۳۰۴

(ضمیمه شماره ۶، ص ۱) قرنطینه مسافران به علت شیوع بیماری طاعون

M. 10				۱۱	
سنه ۱۳۰		اداره تلگرافی دولت علیه ایران		نمبره کتاب ۷۲	
اسم گیرنده	تاریخ وصول	توضیحات	تاریخ اصل	عدد کلمات	نمبره قبض ۶۹
دربار	۱۳/۱۲/۱۳۰۲		۱۳۰۷۴	۱۶	نمبره تلگراف ۱۶

توسط انارست راکم مقام شیخ وزارت داخله یک جاز بادی از بندر دی وارد در میان س فرس بکنیف عرض سیر بکنله نمودند

تقیه تقرانظینه اعزام چون طرز بنور به راجحه تقرانظینه فریباده کرده تقوفاضار طرز در هجره بکنله نمت بنده شد تکرم قدغن شد برار نادر عمرستان که اراض سیر شیخ است حکایت جواز س فرست بنده ۱۴ در ۱۳۰۲ سال نظامی

اداره جنه
 در تاریخ ۱۳/۱۲/۱۳۰۲
 در بندر بوشهر
 در تاریخ ۱۳/۱۲/۱۳۰۲

(ضمیمه شماره ۶، ص ۱۲) قرنطینه مسافران به علت شیوع بیماری طاعون